

بررسی الگوی پراکندگی جرایم و عوامل تأثیرگذار آن در شهر سمنان (مورد پژوهش: سرقت موتورسیکلت و دوچرخه)^۱

کرامت اله زیاری^۲، استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، ایران
علیرضا دربان آستانه، استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، ایران
اسماعیل نجفی، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، ایران

چکیده

پیشگیری از جرم همواره یکی از موضوعات اساسی و مهم در زندگی بشری بوده که در طول تاریخ به شیوه‌های مختلف اعمال گردیده است. لذا شناسایی پهنه‌های جرم سرقت موتورسیکلت و دوچرخه به منظور مدیریت هدفمند نیروهای پلیس و شناسایی عوامل مکانی دخیل در شکل‌گیری جرم، در شهر سمنان به عنوان هدف پژوهش انتخاب گردیده است. از سامانه اطلاعات جغرافیایی و همچنین نرم‌افزار SPSS به منظور تحلیل‌های فضایی - مکانی و همچنین زمانی استفاده شده است. در این پژوهش جرایم ارتكابی مرتبط با سرقت موتورسیکلت و دوچرخه در محدوده قانونی شهر سمنان به عنوان جامعه آماری مورد مطالعه قرار گرفته است. روش تحقیق در پژوهش حاضر تحلیلی - توصیفی و داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز پژوهش با دو روش کتابخانه‌ای و میدانی تهیه شده است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد مهم‌ترین کانون‌های سرقت موتورسیکلت و دوچرخه در محدوده مسکن مهر و محله جهادیه واقع شده است که جزء محدوده کاملاً مسکونی شهر سمنان محسوب می‌شوند.

کلمات کلیدی: کانون‌های جرم‌خیز، سرقت، موتورسیکلت و دوچرخه، سیستم اطلاعات جغرافیایی،

شهر سمنان

^۱ - مقاله حاضر مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران می‌باشد.

ziyarikeramatollah@gmail.com

^۲ - نویسنده مسئول:

مقدمه

زندگی شهری با تنوع ارزش‌ها و پندارها، مردمان مختلف را به خود جلب می‌کند و با تجمع آن‌ها اختلافات موجود تشدید شده (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۲۸۵)؛ که با این رشد فزاینده و افسارگسیخته شهرها، ساکنان این مراکز با مشکلات فراوانی درگیر می‌شوند. افزایش بزهکاری و انحرافات اجتماعی یکی از این مشکلات و از مهم‌ترین و اساسی‌ترین معضلات اکثر شهرهای دنیاست. کشور ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای دنیا با میزان بالای جرم و جنایت روبه‌رو است. بر اساس آمارهای موجود به ازاء هر صد هزار نفر جمعیت در کشور، نزدیک به (۲۵) نفر زندانی در زندان‌ها به سر می‌برد (عبادی نژاد و نصرتی، ۱۳۹۲: ۸۴). موضوع جرایم اجتماعی که معلول قانون‌گریزی توده‌ای از جمعیت اجتماعات انسانی است، با غالب شدن شهرنشینی به‌عنوان شیوه رایج زندگی، تبدیل به معضلی جهانی شده است و هر چه بر وسعت شهرها اضافه شود، میزان جرایم و انحرافات بیشتر می‌گردد (سجادیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۶).

آنچه در بررسی جغرافیای جرایم شهری اهمیت دارد، رابطه فضا و محیط شهری با رفتارهای اجتماعی (از نوع منفی و ناهنجار آن) است. در واقع این موضوع که طی چند دهه اخیر به مطالعات جغرافیای شهری افزوده شده است، چارچوب عملی برای تحلیل فضایی و مکانی جرم و مطالعه رابطه ناهنجاری با فضا و زمان در محدوده شهرها فراهم می‌نماید (پوراحمد و دیگران، ۱۳۸۲: ۸۴). آنچه روشن است بعضی مکان‌ها به دلیل ویژگی‌های کالبدی و محیطی و همچنین خصوصیات اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی ساکنین آن، امکان و فرصت بیشتری برای وقوع جرم دارند؛ برعکس بعضی مکان‌ها مانع و بازدارنده فرصت‌های مجرمانه هستند و همین امر موجب شده است تا در دو دهه گذشته سیاستمداران و محققان به مکان و زمان جرم جهت کنترل و جلوگیری از بروز جرم توجه ویژه‌ای نشان دهند (تقوایی، ۱۳۸۹: ۱۱۰)؛ بنابراین، شناسایی شرایط مکانی به وجود آورنده و تسهیل‌کننده این فرصت‌ها و ارائه رهنمود برای تغییر این

شرایط و تبدیل آن به فضاهای مقاوم در برابر ناهنجاری‌های اجتماعی، از مهم‌ترین اهداف بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در شهرها محسوب می‌شود (زنگی‌آبادی و رحیمی نادر، ۱۳۸۹: ۱۸۳).

لذا می‌توان گفت، هرچند که در نگاه نخست به نظر می‌رسد مطالعه محدوده‌های جرم‌خیز صرفاً نمایش جغرافیایی نحوه توزیع اعمال مجرمانه است، اما نکته حائز اهمیت این است که در تحلیل مکان‌های جرم‌خیز اولین گام شناسایی و تشخیص صحیح این محدوده‌هاست. گام بعد تشخیص عوامل و دلایل مختلف کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی نظارتی است که به جرم‌خیزی این محدوده‌ها کمک نموده است. پس از آن امکان مبارزه با این عوامل و پاک‌سازی شرایط کالبدی، اجتماعی و فرهنگی صورت می‌گیرد (جباری، ۱۳۸۸: ۴). لذا شناسایی و تحلیل محدوده‌های جرم‌خیز و آلوده شهری این فرصت را فراهم می‌آورد تا پلیس بتواند سریع‌تر و مؤثرتر نسبت به بزهکاری واکنش نشان دهد و به کشف جرم و تعقیب و دستگیری متهمین اقدام کند و یا در جهت شناسایی مظنونین یا مجرمین باسابقه و محل زندگی یا فعالیت آن‌ها گام بردارد. با استفاده از نتایج این تحلیل‌ها پلیس می‌تواند میزان کنترل و مراقبت خود را در محدوده‌ها افزایش دهد و با تخصیص بیشتر منابع اعم از تجهیزات، امکانات و نیروی انسانی از تعداد بزه ارتكابی در این محدوده‌ها بکاهد (پیشگاهی‌فرد و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۷).

سرفت و جرایم مشابه با آن، امنیت روانی و احساس آرامش شهروندان را خدشه‌دار کرده و آن‌ها را از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و روانی متضرر می‌کند؛ بنابراین لزوم توجه به مکان‌های جرم‌خیز و تحلیل توزیع و پراکنش جغرافیایی آن را به‌منظور کنترل و مدیریت کانون‌های جرم‌خیز شهری ضروری می‌سازد (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۸). در این راستا شهر سمنان به‌عنوان شهری که دارای نقش‌های متفاوتی از قبیل مرکز اداری - سیاسی استان سمنان، قرارگیری در مسیر ارتباطی غرب به شرق کشور، همسایگی با شهر تهران به‌عنوان پایتخت کشور، نقش‌پذیری‌های صنعتی این شهر و به

طبع آن مهاجرپذیری شدید این شهر، باعث شده تا در طی دهه‌های اخیر از نظر تعداد جمعیت، مساحت، کالبد و کارکردهای اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی و سیاسی رشد سریع و شتابانی را تجربه کرده است؛ در حال حاضر و به موازات این دگرگونی‌ها و نقش‌پذیری‌های جدید، این شهر با مشکلات و مسائل متعددی روبروست. افزایش ناهنجاری‌های کالبدی در کنار ناهنجاری‌های اجتماعی از جمله مسائل و معضلات این شهر در مقطع کنونی است و این شهر را از نظر آسیب‌های اجتماعی دچار مشکل جدی نموده است و دستیابی به راهکارهایی جهت کنترل و مقابله با این ناهنجاری را ضروری ساخته است. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی نحوه پراکنش فضایی کانون‌های جرم‌خیز مربوط به جرایم سرقت شهری موتورسیکلت و دوچرخه و تعیین کانون‌های اصلی شکل‌گیری این جرایم سرقت شکل گرفته است. نتایج این پژوهش می‌تواند بیانگر الگوی توزیع فضایی جرایم سرقت موتورسیکلت و دوچرخه در سطح شهر سمنان بوده و در راستای مدیریت کانون‌های جرم‌خیز شهری مورد استفاده سازمان‌های متولی امنیت و نظم امور شهری قرار گیرد.

وقوع جرم‌های شهری تبدیل به یک نگرانی عمده برای یک دوره طولانی شده است و محققان جهان راه‌های بسیاری را برای پیشگیری و کاهش جرم و جنایت در شهرها ارائه داده‌اند (Ha, Oh, & Park, 2015: 497). در بررسی‌های جغرافیای جرایم شهری به چهار عامل کلیدی؛ قانون، مجرم، قربانی جرم و مکان جرم بسیار تأکید می‌شود (کلانتری، ۱۳۸۰: ۶۴-۶۸). سابقه تحلیل محیطی بزهکاری به قرن گذشته باز می‌گردد. کیت هریس، سابقه استفاده از نقشه‌های بزهکاری را حدود سال ۱۹۰۰ میلادی می‌داند. این نقشه‌ها که بیشتر در امور پلیسی مورد استفاده قرار می‌گرفت، صفحه بزرگی بود که محل وقوع جرایم با پونزهایی بر روی آن مشخص می‌شد (کلانتری و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۹)؛ لذا به طور قطع جرم به طور یکسان در سراسر شهر پخش نمی‌شود و عقیده کانون‌های جرم‌خیز در سالیان اخیر توجه روزافزونی را به خود جلب کرده است (Lupton, 1999: 1-15).

اصطلاح کانون جرم‌خیز که معنای لغوی آن به انگلیسی نقاط داغ است از علم زمین‌شناسی اقتباس شده است و به محل‌هایی اطلاق می‌شود که محل خروج ماگما و مواد مذاب آتش‌فشانی است. این واژه اولین بار توسط شرمن، گارتین و برگر در سال ۱۹۸۹ برای تحلیل مکانی بزهکاری مورد استفاده قرار گرفت (حاتمی نژاد و نجفی، ۱۳۹۷: ۱۲۲). این اصطلاح بیانگر مکان یا محدوده‌ای جغرافیایی است که میزان بزهکاری در آن بسیار بالاست. حدود این مکان می‌تواند بخشی از شهر، محله، چند خیابان مجاور یکدیگر و حتی خانه یا مجتمعی مسکونی باشد (کلاتری و توکلی، ۱۳۸۶: ۷۷). در واقع کانون‌های جرم‌خیز به محدوده‌هایی اطلاق می‌شود که نسبت به محدوده‌های دیگر، مردم بیشتر برای درخواست کمک با پلیس تماس می‌گیرند (فلسون و کلارک، ۱۳۸۹: ۴۰). راتکلیف سه نوع الگوی فضایی بزهکاری را این‌گونه معرفی می‌کند: الف) پراکنده: در این الگو نقاطی که کانون جرم‌خیز را به وجود می‌آورند در سراسر منطقه کانون گسترده شده‌اند؛ و به‌صورت متراکم و خوشه‌ای نیستند. ب) خوشه‌ای: این نوع الگو از کانون جرم‌خیز بر یک مکان خاص بزهکاری در سطح منطقه انطباق می‌یابد. ج) نقطه‌ای: این یک نوع خاص از کانون‌های جرم‌خیز است که بر یک مکان خاص بزهکاری انطباق می‌یابد (Ratcliffe, 2004: 10).

علاوه بر تحلیل مکانی بزهکاری که براساس تکرار بزه و تمرکز آن در محدوده‌های خاص شهر انجام می‌گیرد، کانون‌های جرم‌خیز می‌توانند براساس الگوهای زمانی ارتکاب جرایم مورد مطالعه قرار گیرند. این بررسی بر پایه تغییرات نوع و میزان بزه در بستر زمان بر اساس معیارهایی چون کشف ارتباط و تغییرات و میزان جرایم ارتكابی یک شهر در فصول مختلف یا ماه‌های مختلف سال، روزهای هفته و ساعات مختلف شبانه‌روز انجام می‌گیرد (کلاتری و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۵۱). الف) الگوی پراکنده: در این الگو که رویدادهای بزهکاری در طول ۲۴ ساعت شبانه‌روز اتفاق می‌افتد و محدوده زمانی رویدادها وسیع است ب) الگوی کانونی: این نوع از کانون جرم‌خیز می‌تواند در سراسر روز اتفاق بیفتد، اما هنگامی است که فعالیت درخور توجه بیشتری نسبت به

سایر مواقع وجود دارد (ج) الگوی بحرانی: این گروه از کانون‌های جرم‌خیز نادر هستند و فعالیت‌های بزهکارانه در مدت زمان کمی محدود شده است (کلانتری و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۰). در ارتباط با تحلیل‌های جرم‌خیزی دیدگاه‌ها و نظریات متعددی ارائه شده است که در پژوهش حاضر بخشی از دیدگاه‌های نظری معاصر که در حوزه جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جرم، مکان را به‌عنوان هسته اصلی تبیین جرم‌خیزی در نظر دارند، معرفی می‌شوند.

نظریه نسل اول CPTED: ازجمله نگرش‌های مطرح در زمینه جرم، پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی است. برای نخستین بار این دیدگاه در دهه ۱۹۶۰ میلادی در کتاب جین جاکوبز با عنوان «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» و کتاب الیزابت وود با نام «جنبه‌های اجتماعی خانه‌سازی در توسعه شهری» مطرح شد. اما می‌توان گفت نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) در اوایل دهه ۱۹۷۰ در پاسخ به افزایش جرم و ترس در نواحی شهری ایجاد شد (Hedayati, Abdullah, & Ignatius, 2016: 86) و ادعا می‌شود که این نظریه ابزار مفیدی برای دستیابی به طراحی شهر به‌صورت موثرتر، پایدارتر و قابل زیست‌تر می‌باشد (Cozens, 2008: 272). پایه و اساس این دیدگاه بر این اندیشه استوار است که با طراحی صحیح و استفاده مناسب از فضاهای کالبدی ساخت دست بشر می‌توان ضمن کاهش فرصت‌های بزهکاری و میزان جرایم سطح امنیت را افزایش داد و کیفیت زندگی را در جامعه بهبود بخشید. از همه مهم‌تر اینکه با ارتقاء نوع طراحی ساخت‌وسازهای شهری می‌توان نظارت‌های مردمی را در سطح شهر بهتر نمود و با افزایش حس تعلق اجتماعی به فضاها و کاربری‌های عمومی شهر از بروز بزهکاری پیشگیری نمود (جیسون و ویلسون، ۱۳۹۰: ۱۰).

نظریه پنجره‌های شکسته: نظریه پنجره‌های شکسته یک نظریه مشهور در ارتباط با اهمیت طرز نگاه به جرم است (Hinkle & Yang, 2014: 26) این تئوری به مقوله پیشگیری از جرم با تمرکز بر روی آگاهی ساکنین از رفتارهای مشکوک، حفاظت از محیط و پیامدهای آن می‌پردازد. تز بسیار تأثیرگذار «پنجره‌های شکسته شده» (۱۹۸۲)

ویلسون و کلینگ بر اهمیت حیاتی حفاظت از محیط به عنوان شاخصی فیزیکی برای سطوح همبستگی و انسجام اجتماعی و کنترل اجتماعی غیررسمی تأکید نموده است (نظریان و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۱). در واقع این نظریه اغلب با کاهش جرم یکسان فرض می‌شود. از دیدگاه نظریه پنجره‌های شکسته، بی‌نظمی‌های اجتماعی به وسیله واسطه‌هایی تبدیل به جرم‌های جدی می‌شود (Gau, Corsaro, & Brunson, 2014: 580). این نظریه در ماهیتش بیانگر این است که جرم به هیچ عنوان با بی‌نظمی‌های اجتماعی تفاوت ندارد. اگر جامعه در برابر بی‌نظمی‌های اجتماعی، بی‌تفاوت باشد. این بی‌نظمی‌های اجتماعی اندک اندک شدیدتر می‌شوند و تبدیل به جرم خواهند شد (Engel et al., 2014: 126). دلیل فرضی این نظریه این است که نشانه‌های بصری در مکان‌های عمومی، کثیف بودن محله، خودروهای متروک و ول شده و ... مجرمان را به خود جذب می‌کند و باعث می‌شود مجرمان فکر کنند که ساکنان نسبت به آنچه در همسایگی‌شان می‌گذرد بی‌تفاوت هستند (Sampson & Raudenbush, 2004: 319).

نظریه فعالیت روزمره: تئوری فعالیت روزمره که به وسیله کوهن و فلسون در سال ۱۹۷۹ معرفی شد و در سال‌های ۱۹۸۷ و ۱۹۹۴ به وسیله فلسون پالایش شد، رویکردی است که به طور معمول برای قربانی شدن بزهکاری به کار می‌رود و محققان با الهام از این تئوری پی برده‌اند که قربانی‌ها به طور تصادفی در جامعه توزیع نشده‌اند، بلکه با سبک زندگی و فعالیت روزانه هم‌پیوند هستند (برتاو و دیگران، ۱۳۹۲: ۴). به عبارت دیگر مهم‌ترین چیزی که بر ارتکاب جرم مجرمان تأثیر می‌گذارد، محل‌هایی است که مجرم هنگام فعالیت‌های غیر مجرمانه به آنجا می‌روند. بیشتر (و نه همه) جرایم در شعاعی کمتر از دو مایل از محل اقامت متخلف اتفاق می‌افتند (چینی و تامپسون، ۱۳۹۲: ۵۹). در واقع نظریه فعالیت روزمره دیدگاهی است که می‌توان از آن در نظریه‌های مکان بنیاد استفاده کرد؛ زیرا عمدتاً بر رویداد مجرمانه تأکید می‌کند تا وضعیت ذهنی یا پیشینه مجرم. این رویکرد همچنین برای تجزیه و تحلیل جغرافیایی و الگوهای جرم مناسب بوده و با نظریات جغرافیای رفتاری و الگوسازی پیوند دارد؛ چرا

که معتقد است مجرمان مانند همه افراد برنامه‌های روزانه دارند، رفت‌وآمد به محل کار، ملاقات دوستان، خرید و مانند آن و در هنگام رفت‌وآمدهای روزمره خود، هدف‌های محتمل را جستجو می‌کنند (محمودی جانکی و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۲).

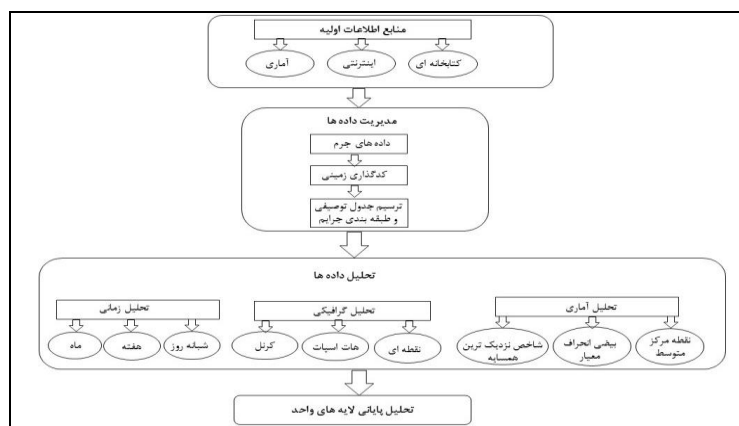
نظریه سفر مجرمانه: دیدگاه سفر مجرمانه بر پایه بررسی دو عامل مکان و فاصله سفرهایی که مجرمین برای ارتکاب جرم خود انجام می‌دهند استوار است. گرچه اصطلاح سفر مجرمانه برای اولین بار توسط هریس در سال ۱۹۸۰ به کار گرفته شد، لیکن سابقه این بررسی‌ها به پژوهش وایت در سال ۱۹۳۲ برمی‌گردد. وی دریافت در سفرهای مجرمانه برای ارتکاب جرایم علیه اموال (مانند سرقت) مسافت دورتری به نسبت سفرهای مجرمانه علیه اشخاص (مثل قتل و ضرب و جرح) طی می‌شود. تیورن در مطالعه دیگری به این نتیجه رسید که سفرهای مجرمانه بافاصله گرفتن از محل سکونت مجرمین کاهش می‌باید. به عبارت دیگر بین تعداد سفرهای مجرمانه و بعد مسافت از محل زندگی مجرمین رابطه معکوس مشاهده می‌شود. نکته حائز اهمیت دیگر اینکه فاصله سفرهای مجرمانه به عواملی چون نوع جرم، شیوه ارتکاب، زمان انجام و حتی (ارزش اموال) در جرایم مالی بستگی دارد (نظریان و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۷). به همان میزان که دست‌فروشان دوره‌گرد و نیز جیب‌برها و کیف‌قاپ‌ها به دنبال مکان‌های شلوغ و پرازدحام هستند، ممکن است برخی بزهکاران به دنبال محیط‌های خلوت باشند. برای مثال به موازات حرکت مردم برای رفتن به سر کار، جریانی از حرکت سارقان به سوی خانه‌های آن‌ها در مناطق مسکونی شروع می‌شود و سارقان از غیبت ساکنین به سود خود سوءاستفاده می‌کنند (فلسون و کلارک، ۱۳۸۹: ۴۲).

روش تحقیق

ماهیت تحقیق حاضر از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی است که با ترکیبی از روش توصیفی، تحلیلی و تطبیقی مبتنی بر اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی نگارش شده است. داده‌های آماری جرم سرقت موتورسیکلت و دوچرخه از طریق مراجعه به مرکز

فرماندهی شهرستان سمنان و اخذ از سیستم رخداد ۱۱۰ این مرکز به دست آورده شده است. سپس اطلاعات مربوط به این جرم در شهر سمنان را استخراج نموده و به صورت نقطه‌ای با مختصات آدرس ثبت شده در سیستم بر روی نقشه شیب‌فایل شهر سمنان ترسیم شده است؛ که هر یک از این نقاط دارای جدول توصیفی مربوط به خود است؛ که درون آن ویژگی‌های آن جرم به همراه متغیرهای مورد بررسی آورده شده است؛ و در نهایت با استفاده از نرم‌افزارهای GIS و SPSS این جرایم مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

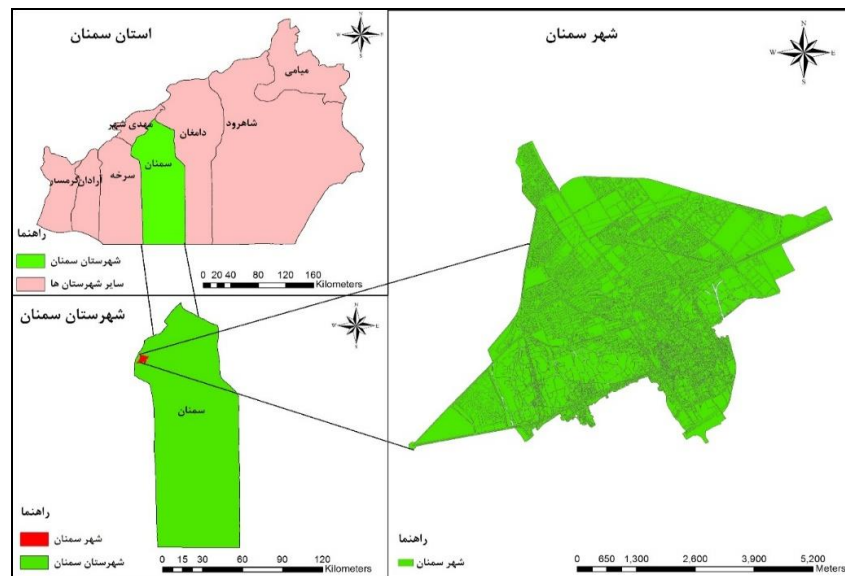
لذا به طور کلی بخش تجزیه و تحلیل این جرایم را در سه قسمت، تجزیه و تحلیل آماری، تجزیه و تحلیل گرافیکی و تجزیه و تحلیل زمانی می‌توان تقسیم‌بندی کرد که کارهای مربوط به تجزیه و تحلیل آماری از طریق نرم‌افزارهای GIS و SPSS مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند؛ و قسمت تجزیه و تحلیل گرافیکی از نرم‌افزار GIS به منظور ترسیم نقشه‌های مربوطه برای تحلیل و درک بهتر بصری - مکانی جرم در سطح شهر سمنان مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ و برای تجزیه و تحلیل زمانی رویدادهای جرم در سطح شهر سمنان از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.



شکل ۱- چارچوب روش‌شناسی تحقیق

محدوده مورد مطالعه

شهر سمنان مرکز استان و شهرستان سمنان است که در حاشیه شمالی کویر مرکزی و بر دامنه‌های کم‌شیب جنوبی رشته‌کوه‌های البرز مرکزی واقع شده است. ارتفاع این شهر از سطح دریا ۱۱۳۰ متر و دارای شیب عمومی شمالی - جنوبی می‌باشد (کامیابی و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۲-۶۳). این شهر دارای مساحتی بالغ بر ۲۴۴۶ هکتار می‌باشد و در فاصله ۲۱۶ کیلومتری شهر تهران واقع شده است (سالنامه آماری استان سمنان، ۱۳۹۰: ۶۳-۴۶).



شکل ۲- موقعیت شهر سمنان

شهر سمنان براساس نتایج مربوط به سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، دارای جمعیتی برابر ۱۸۵۱۲۹ نفر می‌باشد. جدول زیر روند تغییرات جمعیتی این شهر را از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد.

جدول ۱- تغییرات جمعیتی و متوسط رشد سالیانه شهر سمنان از ۱۳۳۵-۱۳۹۰

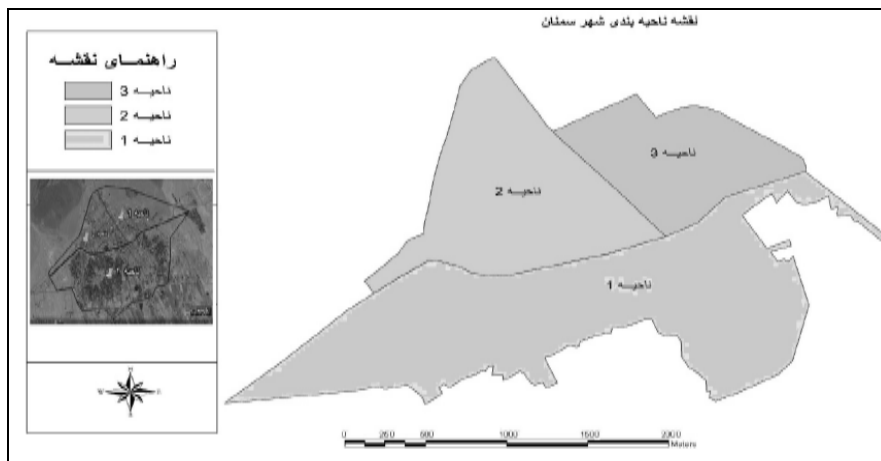
شهر سمنان	آبان ۱۳۳۵	آبان ۱۳۴۵	آبان ۱۳۵۵	مهر ۱۳۶۵	مهر ۱۳۷۰	آبان ۱۳۷۵	آبان ۱۳۸۵	آبان ۱۳۹۰	آبان ۱۳۹۵
جمعیت (نفر)	۲۹۰۳۶	۳۱۰۵۸	۳۸۷۸۶	۶۴۸۹۱	۷۵۱۳۱	۹۱۰۴۵	۱۲۶۷۸۰	۱۵۳۶۸۰	۱۸۵۱۲۹

منبع: (سالنامه آماری استان سمنان، ۱۳۹۵: ۱۱۲).

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود از نظر تغییرات جمعیتی، شهر سمنان طی شش دوره پس از انقلاب روند افزایشی را داشته است. به طوری که دارای متوسط رشد جمعیتی سالیانه بالایی بوده است. از دلایل اصلی این موضوع مهاجرت از شهرها و استان‌های همجوار به خصوص استان‌های تهران، مازندران و گلستان و نیز بحث صنعتی شدن شهر سمنان می‌باشد (قدس و کامیابی، ۱۳۹۳: ۱۷۲). به همین دلیل نسبت مهاجران وارد شده به این استان در سال ۱۳۹۰ از نسبت مهاجران خارج شده بالاتر بوده است؛ به عبارت دیگر در سال مذکور در مقابل هر ۱۰۰ نفر مهاجر خارج شده از استان، حدود ۱۵۲ مهاجر وارد شده است. لازم به ذکر است، از کل مهاجران وارد شده به این استان در سال ۱۳۹۰، مبدأ اقامت قبلی ۸۳٫۵ درصد از مهاجران، شهر و مبدأ اقامت ۱۵٫۴ درصد از مهاجران آبادی یا روستا بوده است که در این میان، شهرستان‌های مهدیشهر و سمنان بالاترین حجم مهاجران شهری و شهرستان شاهرود بالاترین حجم مهاجران روستایی را در مقایسه با سایر شهرستان‌های استان به خود اختصاص داده‌اند (مرکز ملی رصد اجتماعی کشور، ۱۳۹۲: ۲). که در این زمینه شهر سمنان بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۹۵ دارای ۲۷۸۷۷ نفر مهاجر بوده است.

از نظر تقسیمات شهری، شهر سمنان به دو منطقه، سه ناحیه و همچنین چهل محله تقسیم می‌شود. منطقه یک: بافت جنوبی شهر را در بر می‌گیرد که ۱۰۸۸ هکتار مساحت دارد و شامل کل ناحیه یک می‌شود. منطقه دو: بخش‌های شمالی شهر را شامل می‌گردد

که مساحت آن ۱۳۴۵ هکتار می‌باشد و شامل ناحیه دو و سه شهرداری سمنان می‌شود. ناحیه یک: این ناحیه کل سطح شهر را در جنوب بلوار ۱۷ شهریور و بلوار قدس در بر می‌گیرد و عمدتاً منطبق بر بافت قدیم شهر سمنان می‌باشد و دارای مساحتی بالغ بر ۱۰۸۸ هکتار است. در واقع این ناحیه کل سطح منطقه یک را در بر می‌گیرد و جمعیت آن معادل ۷۰۶۳۷ نفر می‌باشد؛ که بالاترین میزان جمعیت را در بین سه ناحیه دارا می‌باشد. ناحیه دو: محدوده مثلثی شکل بین بلوار ۱۷ شهریور و کنار گذر غربی شهر و بلوار بسیج می‌باشد. این ناحیه ۶۷۲/۱ هکتار مساحت دارد و جمعیتی بالغ بر ۳۸۲۶ نفر دارد و بخش غربی شهر را در بر می‌گیرد؛ و از نظر جمعیت دومین ناحیه پرجمعیت شهر محسوب می‌شود. ناحیه سه: محدوده مثلثی شکل بین بلوار بسیج، بلوار قدس و کنار گذر شرقی می‌باشد که قسمت شرقی را در بر می‌گیرد و دارای مساحتی بالغ بر ۶۶۲/۹ هکتار و جمعیتی در حدود ۱۸۷۲۳ نفر را دارا می‌باشد؛ و از نظر جمعیت سومین رتبه را در بین سه ناحیه دارا می‌باشد (کامیابی و طاهری، ۱۳۹۴: ۳۱).

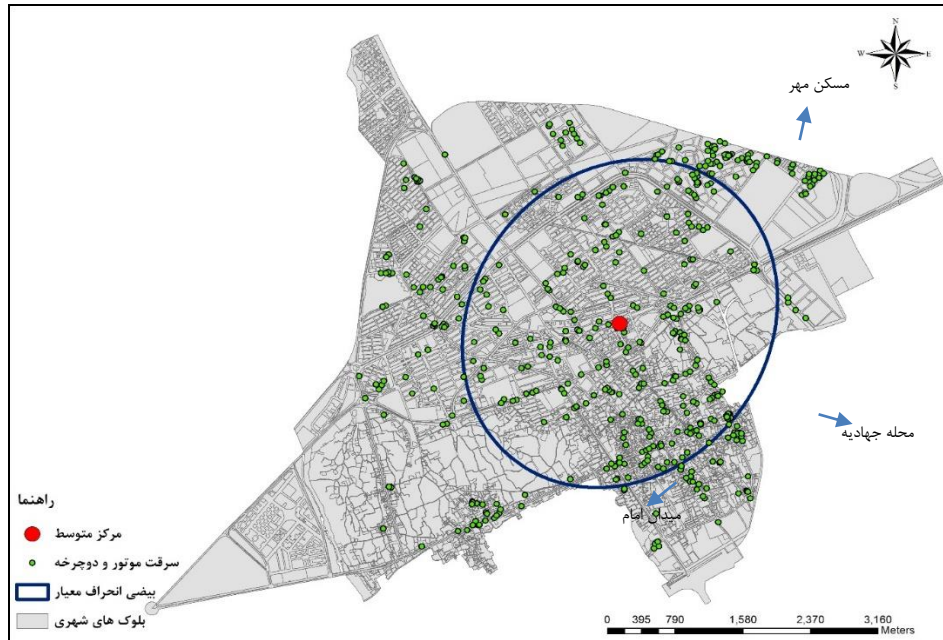


شکل ۳- ناحیه‌بندی شهر سمنان

در بخش مسکن مهر شهر سمنان که در قسمت شمال شرق این شهر و در ناحیه سه شهرداری سمنان قرار گرفته است، براساس آخرین سرشماری مرکز آمار در سال ۱۳۹۵ مجموعاً ۲۹۷۷۲ نفر ساکن هستند که در دو بخش مسکن مهر صنعتی ساز با جمعیت ۸۶۷۸ و مسکن مهر سنتی ساز با جمعیت ۲۱۰۹۴ سکونت یافته‌اند. مهم‌ترین تفاوت این دو بخش مسکن مهر در این است که مسکن مهر سنتی ساز به صورت زمین‌های ۲۰۰ یا ۲۵۰ متری بوده که به سه خانوار واگذار می‌شود و خود افراد وظیفه ساختن آن را دارند و سه واحدی می‌باشد. اما مسکن مهر صنعتی ساز بدین صورت است که خود دولت در واحدهای ۴ طبقه و ۱۶ واحدی، این زمین‌ها را ساخته است و اینکه زمین‌های صنعتی ساز اجاره‌ای می‌باشند و قابل خرید نمی‌باشند ولی زمین‌های سنتی ساز قابل خرید از شهرداری می‌باشند.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

آزمون مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار جرایم سرقت موتورسیکلت و دوچرخه براساس شکل شماره (۴) نقاط وقوع سرقت موتورسیکلت و دوچرخه از پراکنش زیادی در سطح شهر برخوردار است؛ که گستردگی بیضی انحراف معیار به خوبی به این مسئله پاسخ می‌دهد. با وجود این سه بخش از شهر تقریباً از تمرکز زیادی در وقوع جرم سرقت موتورسیکلت و دوچرخه برخوردارند؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت شهرک مسکن مهر، محدوده میدان امام تا چهارراه مازندران و همچنین محله جهادیه از تمرکز بالایی در وقوع این نوع از سرقت برخوردارند؛ که از جمله مهم‌ترین دلایل تمرکز سرقت موتور و دوچرخه در این سه منطقه را می‌توان بالا بودن تعداد استفاده‌کنندگان از موتورسیکلت و دوچرخه در این مناطق عنوان کرد.



شکل ۴- مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار جرایم سرقت موتور و دوچرخه در شهر سمنان

همان‌گونه که در نقشه فوق نمایش داده شده است. مرکز متوسط جرم سرقت موتورسیکلت و دوچرخه در حدود مرکز شهر و تا حدودی به جهت شرقی شهر مطابقت می‌کند که از مهم‌ترین دلایل این قرارگیری را می‌توان در شکل‌گیری الگوی خوشه‌ای این نوع از سرقت در محدوده مسکن مهر و محله جهادیه دانست؛ که هر دو این مناطق در قسمت شرقی شهر واقع شده‌اند، به طوری که شهرک مسکن مهر در قسمت شمال شرقی و محله جهادیه در قسمت جنوب شرقی شهر قرار دارند. همچنین در رابطه با بیضی انحراف معیار می‌توان این‌گونه بیان کرد که این بیضی کاملاً در جهت شمال شرقی به جنوب غربی دچار کشیدگی شده است؛ که از مهم‌ترین دلایل آن می‌توان به وجود الگوی خوشه‌ای سرقت موتورسیکلت و دوچرخه در جهت شمال

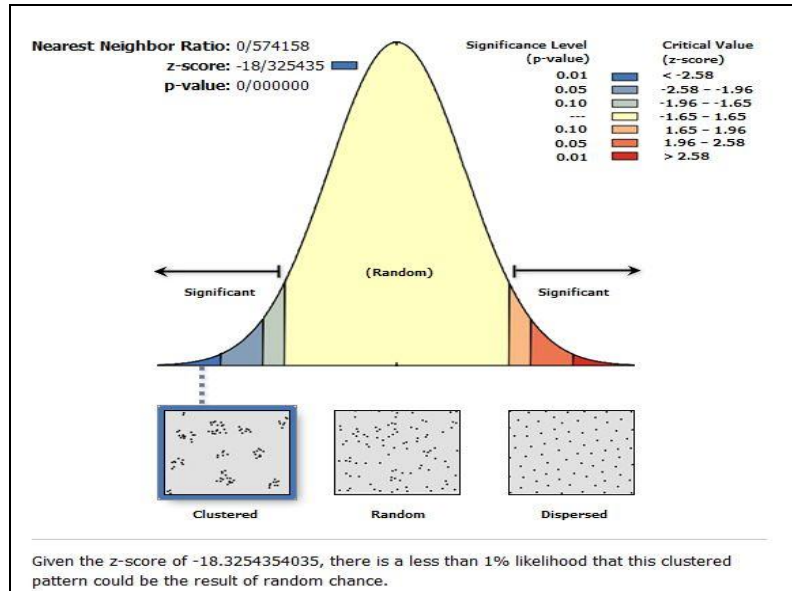
شرقی و وجود دو کانون دیگر یعنی محدوده خیابان امام و محله جهادیه در جهت جنوبی بیضی اشاره نمود.

آزمون خوشه‌بندی

مفیدترین و در عین حال کارآمدترین آزمون آماری جامع برای تحلیل الگوهای کلی بزهکاران مخصوصاً تشخیص کانون‌های جرم‌خیز شهری آزمون خوشه‌بندی است. آزمون خوشه‌بندی نخستین گام برای شناسایی الگوهای فضایی بزهکاری و کانون‌های جرم‌خیز شهری است. چندین روش برای آزمون خوشه‌بندی توزیع بزهکاری قابل استفاده است که شاخص نزدیک‌ترین همسایه (NNI)^۳ از جمله بهترین این آزمون‌هاست.

شاخص نزدیک‌ترین همسایه روشی ساده و سریع برای آزمون خوشه‌ای بودن یا تمرکز جرایم در یک محدوده جغرافیایی است. با نتایج این آزمون به سرعت می‌توان دریافت که آیا داده‌های مجرمانه تمرکز خوشه‌ای دارند یا خیر؟ اگر در نتیجه آزمون داده‌های مجرمانه شکل خوشه‌ای نداشته باشد کانون‌های جرم‌خیزی شکل نگرفته است و دیگر لازم نیست محقق وقت خود را برای شناسایی کانون‌های جرم‌خیز صرف نماید. لذا اگر نتیجه آزمون شاخص نزدیک‌ترین همسایه برابر یک باشد، داده‌های بزهکاری به صورت تصادفی توزیع شده است و اگر نتیجه کوچک‌تر از یک باشد بیانگر خوشه‌ای بودن داده‌های مجرمانه است و اگر شاخص نزدیک‌ترین همسایه بزرگ‌تر از یک باشد نشانگر الگوی توزیع یکنواخت داده‌های مجرمانه است؛ و در این رابطه از نمره Z می‌توان برای اطمینان از صحت آزمون شاخص نزدیک‌ترین همسایه به کار گرفت. هر چه نمره Z عدد منفی بزرگ‌تری باشد بیشتر می‌توان به درستی آزمون شاخص نزدیک‌ترین همسایه اطمینان کرد.

^۳ Nearest Neighbor Index (NNI)



شکل ۵- نمودار شاخص نزدیک‌ترین همسایه برای جرایم سرقت موتور و دوچرخه در

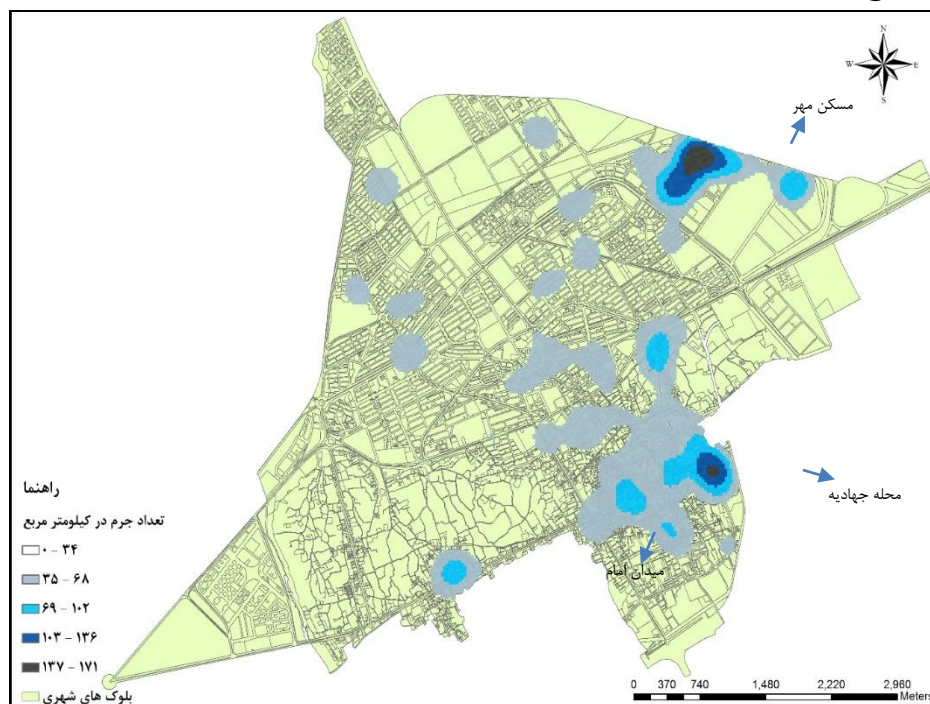
شهر سمنان

میزان شاخص نزدیک‌ترین همسایه برای داده‌های مربوط به سرقت موتورسیکلت و دوچرخه برابر با ۰,۵۷ می‌باشد؛ که این امر حاکی از آن دارد که این نوع سرقت در شهر سمنان از الگوی کاملاً خوشه‌ای پیروی می‌کند؛ که نمره Z مربوط به این نوع جرم سرقت که برابر با -۱۸,۳۲ است به خوبی تصدیق‌کننده این موضوع است؛ زیرا همان‌گونه که در قسمت فوق بدان اشاره شد. هر چه نمره Z عدد منفی بزرگتری باشد نشان از تصدیق درست‌تر آزمون نزدیک‌ترین همسایه می‌باشد.

آزمون تخمین تراکم کرنل سرقت موتورسیکلت و دوچرخه

همان‌گونه که در شکل شماره (۶) نمایش داده شده است الگوی سرقت موتورسیکلت و دوچرخه در سطح شهر سمنان بدین صورت است که دارای دو کانون اصلی، پنج کانون درجه سه و تعداد زیادی کانون‌های فرعی و به عبارت دیگر درجه

چهار می‌باشد. در واقع سارقین این نوع از جرایم با استفاده از شلوغی و ازدحام محیط و نبود چشم‌های ناظر آشنا به صاحب اموال و غفلت صاحبان، این نوع وسایل را به راحتی مورد سرقت قرار می‌دهند؛ زیرا وسایلی از قبیل موتورسیکلت و دوچرخه به دلیل سیال بودن و پارک شدن در کنار خیابان‌ها از اهداف مجرمانه سهل‌الوصول و عمده سارقین خرده‌پا هستند و به دلیل راحتی جابه‌جایی و فرار از دست پلیس و صاحبان وسیله و همین‌طور شناسایی سخت‌تر از سایر وسایل نقلیه و فروش و خرد کردن قطعات آن برای فروش عمدتاً هدف راحتی برای سارقین به شمار می‌آیند. لذا با احداث محل ویژه پارک موتورسیکلت و دوچرخه در قسمت‌های مختلف و جلوگیری از پارک این نوع وسایل در اطراف خیابان‌ها و جاهای ناامن به راحتی می‌توان از وقوع این نوع از بزه پیشگیری نمود.



شکل ۶- کانون‌های جرم‌خیز سرقت موتورسیکلت و دوچرخه در شهر سمنان

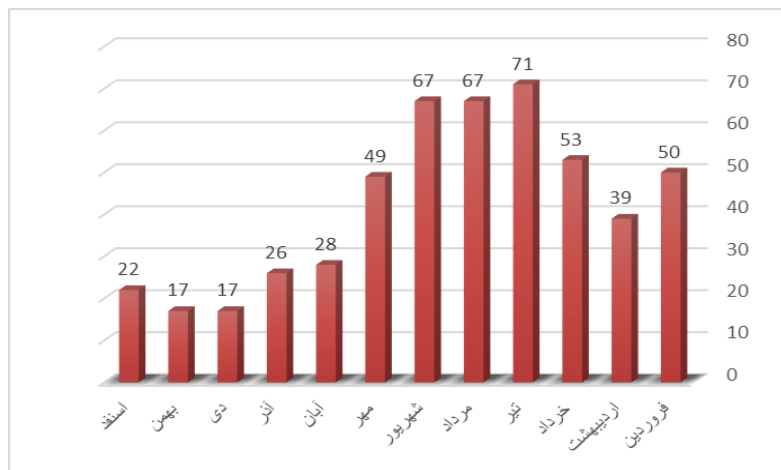
همان‌گونه که در شکل شماره (۶) مشاهده می‌شود، دو کانون اصلی و مهم مربوط به سرقت موتورسیکلت و دوچرخه مربوط به مسکن مهر سنتی‌ساز و همچنین محله جهادیه است؛ که به‌طور متوسط تراکم نقاط وقوع این نوع از سرقت در سطح این دو منطقه برابر با ۱۳۷ الی ۱۷۱ فقره در هر کیلومترمربع می‌باشد. به نظر می‌رسد باید اصلی‌ترین دلیل شکل‌گیری این دو کانون را در زیاد بودن تعداد استفاده‌کنندگان از این نوع وسایل در سطح این دو محله دانست.

همچنین به غیر از این دو ناحیه، کانون‌هایی که در رتبه سوم از دسته‌بندی لایه‌ای کانون‌های این نوع از جرم قرار دارند، عبارت‌انداز: مسکن مهر صنعتی‌ساز، محله کدیور در محلات ثلاث، خیابان امام در محدوده چهارراه مازندران، محدوده ضلع جنوبی میدان امام رضا و آخرین کانون از این دسته مربوط به خیابان حافظ، مابین میدان ابوذر و میدان حافظ می‌باشد؛ اما دسته چهارم کانون‌های جرم این گروه شامل خوشه‌های زیادی می‌شوند؛ که در چندین نقطه از شهر پراکنده شده‌اند؛ به عبارت دیگر همان‌گونه که در قسمت فوق بدان اشاره شد، به دلیل ماهیت سیال بودن این جرایم، میزان پراکندگی خوشه‌ها در سطح شهر زیاد می‌باشد.

تحلیل زمانی وقوع جرایم سرقت موتورسیکلت و دوچرخه

شکل شماره (۷) نحوه توزیع ماهانه جرایم سرقت موتورسیکلت و دوچرخه را نمایش می‌دهد. همان‌گونه که در نمودار به‌خوبی مشخص شده است نحوه توزیع وقوع سرقت موتورسیکلت و دوچرخه از الگوی کاملاً فصلی پیروی می‌کند. به‌طوری که هر چه به سمت ماه‌های گرم سال پیش می‌رویم با افزایش میزان وقوع این نوع از جرم روبرو می‌شویم و همچنین با رفتن به سمت ماه‌های سرد سال میزان وقوع این نوع از جرم به کمترین مقدار خود می‌رسد. به همین دلیل همان‌طور که مشخص است، ماه تیر که از گرم‌ترین ماه‌های سال است با میزان ۷۱ فقره سرقت موتورسیکلت و دوچرخه در

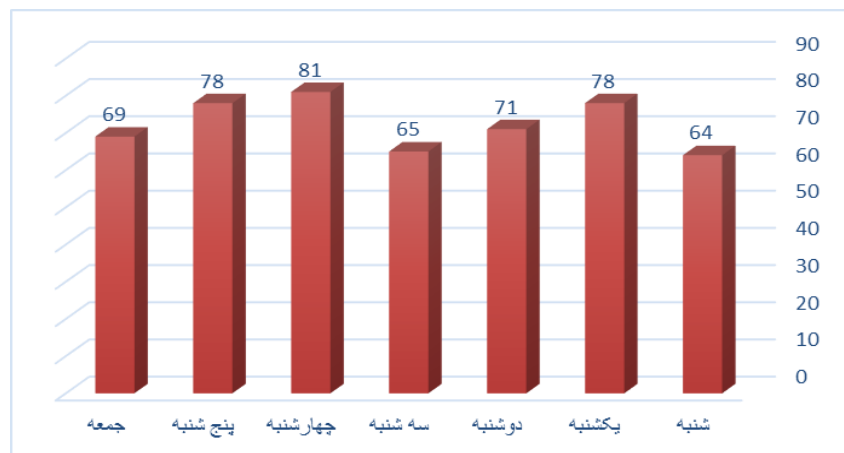
طی این ماه بالاترین میزان را در بین سایر ماه‌ها دارا بوده است؛ و پس از آن ماه‌های مرداد و شهریور با مقدار مشابه ۶۷ فقره در رده‌های بعدی قرار دارند. همچنین طبق نمودار ماه‌های دی و بهمن که جزء سردترین ماه‌های سال محسوب می‌شوند با مقدار مشابه ۱۷ فقره سرقت در طول ماه کمترین میزان سرقت دوچرخه و موتورسیکلت را دارا هستند. عمده‌ترین دلیل شکل‌گیری این نوع الگوی خاص در طی ماه‌های سال را باید در میزان استفاده از این وسایل در طی فصول و ماه‌های مختلف بررسی کرد. لذا همان‌طور که مشخص است با رفتن هوا به سمت گرمی و در واقع با افزایش دما میزان استفاده از موتورسیکلت و دوچرخه افزایش پیدا کرده و به تبع آن میزان سرقت این وسایل نیز افزایش پیدا می‌کند؛ و از سوی دیگر با سرد شدن هوا و کاهش دما میزان استفاده از موتورسیکلت و دوچرخه کاهش می‌یابد و با کاهش استفاده این وسایل میزان سرقت آن‌ها نیز با کاهش محسوسی روبرو می‌شود.



شکل ۷- توزیع زمانی سرقت موتورسیکلت و دوچرخه در شهر سمنان به تفکیک ماه‌های سال

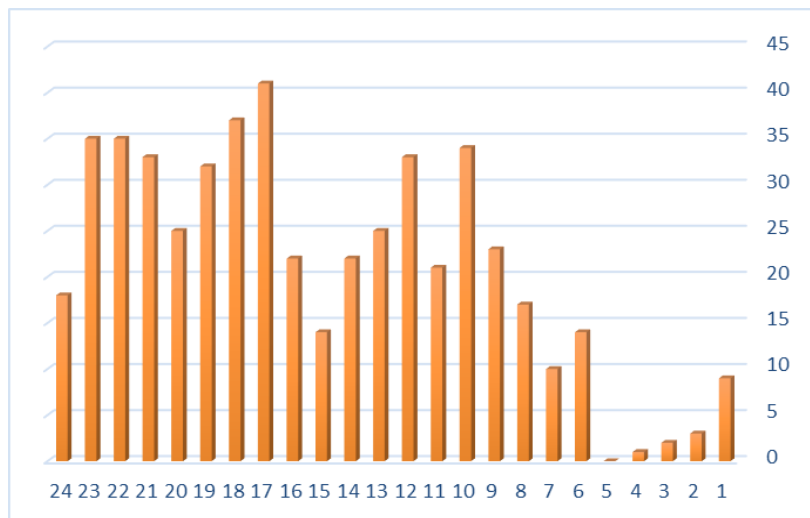
همان‌گونه که در شکل شماره (۸) نمایش داده شده است. سرقت موتورسیکلت و دوچرخه توزیع نسبتاً یکنواختی را در طول ایام هفته دارد. با این وجود بیشترین سرقت

به وقوع پیوسته در این زمینه مربوط به روز چهارشنبه با تعداد ۸۱ فقره سرقت و سپس روزهای یکشنبه و پنجشنبه با مقدار مشابه ۷۸ فقره جرم سرقت به وقوع پیوسته دارا می‌باشند؛ و کمترین میزان در طول ایام هفته در این زمینه سرقت را روز شنبه با ۶۴ فقره سرقت دارا است.



شکل ۸- توزیع زمانی سرقت موتورسیکلت و دوچرخه در شهر سمنان به تفکیک ایام هفته

با توجه به نوع کاربری مکان کانون‌های مربوط به سرقت موتورسیکلت و دوچرخه که بر محدوده مسکن مهر و همچنین محله جهادیه منطبق بود؛ و مسکونی بودن اکثر کاربری‌های این دو محدوده شهر، سرقت موتورسیکلت و دوچرخه بیشتر ممکن است از داخل و همچنین از جلوی درب منازل انجام شود. لذا به همین خاطر می‌توان گفت که این مورد می‌تواند دلیلی بر پخش تقریباً یکنواخت این نوع از سرقت در طول ایام هفته باشد.



شکل ۹- توزیع زمانی سرقت موتورسیکلت و دوچرخه در شهر سمنان به تفکیک ساعات شبانه‌روز

با بررسی نحوه توزیع بزه سرقت موتورسیکلت و دوچرخه در طول ساعات شبانه‌روز متوجه این نکته می‌شویم که بیشترین سرقت انجام شده در این زمینه مربوط به ساعات غروب و شب می‌باشد. به طوری که از ساعت ۱۷ تا ساعت ۲۳ اوج وقوع جرایم ارتكابی در این زمینه است. همچنین با شروع ساعات اولیه صبح یعنی از ساعت تقریباً هشت تا چهارده نیز میزان وقوع این جرم دارای مقدار نسبتاً بالایی است. در واقع توجه به نحوه توزیع این جرم در زمینه انجام سرقت موتورسیکلت و دوچرخه، یک الگو را به ما نشان می‌دهد که با توجه به این موضوع می‌توان در راستای عملکرد بهتر ارگان‌های تأمین امنیت کمک شایانی نمود.

نتیجه‌گیری

قطعاً در جهت امر پیشگیری و استفاده از توان انتظامی یک شهر گام اول همانا شناسایی بستر آسیب‌زا و در حقیقت کشف کانون‌های جرم‌خیز خواهد بود، در حقیقت

اگر مشکل و نقاط ضعف که در اینجا کانون‌های جرم‌خیز می‌باشند کشف و شناسایی نشود امکان برنامه‌ریزی، پیشگیری و برخورد وجود نخواهد داشت. در این زمینه سامانه‌های اطلاعاتی مدرن و رایانه‌ای به کمک مدیریت شهری و انتظامی درآمده است و در اکثر شهرهای کشورهای پیشرفته و مدرن با این الگویی‌ها و در واقع کشف معلول و سپس به دنبال برنامه‌ریزی و رفع نقایص موجود و کشف علت جرم‌خیزی می‌پردازند.

شهر سمنان با توجه به موقعیت و جایگاه اداری - سیاسی خود در استان سمنان و همچنین ویژگی‌های صنعتی که دارد با جمعیت رو به ازدیاد و عمدتاً مهاجر که از مناطق مختلف استان و یا دیگر استان‌های کشور و یا حتی مهاجرین خارجی که اغلب تابعه کشور افغانستان هستند، پتانسیل بالایی در امر جرم‌خیزی از منظر فرهنگی و اجتماعی، کالبدی (بافت فرسوده و قدیمی زیاد در سطح شهر)، شرایط اقتصادی ضعیف برخی محلات واقع در بافت فرسوده و غیره را دارا می‌باشد؛ که این عوامل باعث شده است تا برخی مناطق خاص از شهر که دارای یک سری ویژگی‌های محیطی و اجتماعی خاصی هستند، نسبت به سایر مناطق شهر بیشتر در معرض سرقت قرار گرفته و در واقع میزان وقوع سرقت در سطح آن‌ها نسبت به سایر مناطق بسیار بالا باشد و باعث تبدیل این مناطق به کانون‌های جرم سرقت شهر سمنان شوند که شناسایی این کانون‌ها در سطح شهر و همچنین بررسی و کشف عواملی که باعث شکل‌گیری این کانون‌ها شده است، می‌تواند به‌عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین راهکار در زمینه پیشگیری و کاهش جرایم سرقت مطرح باشد.

مهم‌ترین کانون شکل گرفته در رابطه با سرقت موتورسیکلت و دوچرخه مربوط به دو محله جهادیه و مسکن مهر می‌باشد. از مهم‌ترین دلایلی که باعث شکل‌گیری کانون سرقت موتورسیکلت و دوچرخه در محله جهادیه شده است را باید در قرارگیری اکثر مناطق محدوده در داخل بافت فرسوده عنوان کرد؛ که دارای معابری پیچ‌درپیچ بوده که بهترین وسیله برای حمل‌ونقل در سطح محله را موتورسیکلت کرده است. لذا از مهم-

ترین دلایل قانونی شدن محله در مورد این نوع سرقت را باید همین استفاده زیاد ساکنین محله از آن عنوان کرد. همچنین در رابطه با شهرک مسکن مهر نیز از مهم‌ترین دلایل ازدیاد سرقت موتورسیکلت در سطح این شهرک و شکل‌گیری قانون این نوع سرقت در سطح آن را باید در نوساخت بودن این شهرک و عدم شناخت کافی همسایگان نسبت به هم عنوان کرد که دارای جمعیت ۳۷۸۶ نفری از مهاجران است که در این محله زندگی می‌کنند. همچنین عامل مهم دیگر در این رابطه را باید در عدم وجود پارکینگ و یا حیاط در سطح این شهرک و آپارتمانی بودن واحدهای این شهرک عنوان کرد که خود این موضوع باعث پارک کردن وسایل نقلیه و بخصوص موتورسیکلت در سطح معابر و خیابان‌های اطراف منازل شده و این خود بهترین فرصت را در اختیار سارقان قرار داده تا در زمان مناسب عمل مجرمانه خود را انجام دهند. از نظر زمانی نیز همان‌گونه که در قسمت یافته‌ها به آن اشاره شد، سرقت موتورسیکلت و دوچرخه رابطه کاملاً مستقیمی با گرم شدن هوا دارد، که دلیل آن را می‌توان در ازیاد استفاده از این وسایل در فصول گرم عنوان کرد. با توجه به تحلیل یافته‌ها و نتایج حاصل از انجام این پژوهش، پیشنهاداتی در جهت کنترل و مقابله با این سرقت تهیه شده است؛ که عبارت‌اند از:

- ضرورت ایجاد پارکینگ مجهز در محدوده‌های مسکن مهر و جهادیه که بالاترین میزان این نوع از سرقت‌ها را دارا هستند.
- گشت‌های هدفمند پلیس بر پایه یافته‌های پژوهش و نیز ساعاتی که به‌عنوان پیک وقوع جرم این سرقت شناسایی شده‌اند.
- ترکیب کاربری اراضی در سطح شهر بخصوص در نواحی قانونی سرقت به‌منظور حضور پیوسته مردم در مکان و در واقع کنترل غیرمستقیم مردم به‌منظور جلوگیری از وقوع جرم.

- نصب دوربین‌های مداربسته در محلات مسکن مهر و محدوده میدان امام تا چهارراه مازندران، بدلیل حس غریبگی بالا در این مناطق به‌منظور نظارت مستقیم.
- افزایش سرمایه اجتماعی ساکنین در محلات تازه تأسیس و همچنین مهاجرپذیر مثل مسکن مهر می‌تواند در زمینه کاهش سرقت و افزایش چشمان ناظر بسیار مؤثر باشد.

منابع

- برتاو، عیسی و حاجی‌نژاد، علی و عسگری، علی و گلی، علی، (۱۳۹۲)، بررسی الگوهای سرقت مسکونی با به‌کارگیری رویکرد تحلیل اکتشافی داده‌های فضایی (مطالعه موردی: شهر زاهدان)، اصفهان، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال دوم، شماره ۶.
- پوراحمد، احمد و محمدتقی رهنمایی و محسن کلانتری، (۱۳۸۲)، بررسی جغرافیایی جرایم در شهر تهران، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۴.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا و محسن کلانتری و فریاد پرهیز و احسان حق‌پناه، (۱۳۹۰)، تحلیل جغرافیایی کانون‌های جرم‌خیز جرایم مرتبط با مواد مخدر در شهر کرمانشاه، اصفهان، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۱۱.
- تقوایی، مسعود، (۱۳۸۹)، بررسی و مقایسه شاخص‌های شش‌گانه جرم در سطح مناطق مختلف شهر شیراز، تهران، جغرافیا، شماره ۲۶.
- جباری، کاظم، (۱۳۸۸)، شناسایی و تحلیل فضایی کانون‌های جرم‌خیز شهری با استفاده از سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی GIS، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محسن کلانتری، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی زنجان.
- جیسون، سوزان و ویلسون، پل آر، (۱۳۹۰)، طراحی محیطی جرم‌ستیز: پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی؛ ترجمه محسن کلانتری و ابوذر سلامی بیرامی، زنجان، آذرکلک.

- چینی، اسپنسر و تامپسون، لیزا، (۱۳۹۲)، مطالعات موردی نقشه‌برداری از جرم: عمل و تحقیقات، ترجمه جاوید بهرام زاد، تهران، دانشگاه علوم انتظامی ناجا.
- حاتمی نژاد، حسین و اسماعیل نجفی، (۱۳۹۷)، بررسی و تحلیل فضایی - زمانی کانون‌های سرقت جیب‌بری و کش‌روزی در شهر سمنان، کرمان، جغرافیای اجتماعی شهری، سال ۵، شماره ۱۲، صص ۱۲۱-۱۳۷.
- زنگی‌آبادی، علی و حسین رحیمی نادر، (۱۳۸۹)، تحلیل فضایی جرم در شهر کرج (با استفاده از GIS)، تهران، حقوق، شماره ۲.
- سالنامه آماری استان سمنان، (۱۳۹۵)، تهران، مرکز ملی آمار.
- سجادیان، ناهید و علی شجاعیان و حسین کرملاجعب، (۱۳۹۱)، بررسی مکانی کانون‌های انواع جرائم سرقت در شهر اهواز. فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، سال ۴، صص ۱۶۵، ۱۸۸.
- شیخاوندی، داور (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی انحرافات و آسیب‌شناسی جامعه. مشهد: نشر مردیز.
- عبادی نژاد، سید علی و اکبر نصرتی، (۱۳۹۲)، قابلیت‌های سامانه اطلاعات جغرافیایی در پیشگیری و کشف از سرقت منزل. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، سال ۸، شماره ۴، صص ۸۳-۱۰۹.
- فلسون، مارکوس و رونالد وی کلارک، (۱۳۸۹)، فرصت و بزهکاری، نگرشی کاربردی برای پیشگیری از جرم، ترجمه محسن کلانتری و سمیه قزلباش، زنجان، آذرکلک.
- قدس، محسن و سعید کامیابی، (۱۳۹۳)، استفاده از تکنیک AHP در محیط GIS برای مکان‌یابی ایستگاه‌های آتش‌نشانی (مطالعه موردی: شهر سمنان)، سمنان، کاوش‌های جغرافیایی مناطق بیابانی، سال ۲، شماره ۳.
- کامیابی، سعید و سیدخلیل سیدعلی‌پور و ابراهیم میرعمادی، (۱۳۹۵)، ارزیابی ایمنی فضای شهری با تأکید بر شاخص‌های پدافند غیرعامل با استفاده از روش AHP و TOPSIS مطالعه موردی: شهر سمنان، تهران، پدافند غیرعامل، سال ۷، شماره ۱.

- کامیابی، سعید و طاهری، سید مجتبی، (۱۳۹۴)، بررسی و مکان‌یابی مراکز پارکینگ طبقاتی با استفاده از روش AHP و TOPSIS (مطالعه موردی: شهر سمنان)، مازندران، مطالعات برنامه ریزی شهری، سال سوم، شماره نهم.
- کلانتری، محسن و سمیه قزلباش و باشاد یغمایی، (۱۳۹۱)، بررسی الگوهای مکانی بزهکاری در سطوح منطقه‌ای مورد شناسی: جرایم مرتبط با مواد مخدر در استان خراسان جنوبی، زاهدان، جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، شماره ۴.
- کلانتری، محسن و سمیه قزلباش و کاظم جباری، (۱۳۸۹)، تحلیل فضایی بزهکاری شهری با استفاده از مدل تخمین تراکم کرنل مورد مطالعه: جرایم شرارت، نزاع و درگیری در شهر زنجان، تهران، نظم و امنیت انتظامی، شماره ۳، سال ۲.
- کلانتری، محسن و محمدکاظم جباری، (۱۳۹۲)، آسیب‌شناسی کالبدی حوزه‌های تمرکز بزهکاری در محدوده منطقه ۱۹ شهر تهران (مورد مطالعه: جرایم مربوط به سرقت به عنف و مواد مخدر)، تهران، جغرافیا، شماره ۳۶.
- کلانتری، محسن و مهدی توکلی، (۱۳۸۶)، شناسایی کانون‌های جرم‌خیز شهری، تهران، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم، شماره دوم.
- کلانتری، محسن، (۱۳۸۰)، بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران، پایان‌نامه دوره دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، به راهنمایی محمدتقی رهنمایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
- محمودی جانکی، فیروز و وحید دستجردی، فاطمه و بارانی، محمد، (۱۳۹۲)، تأثیر مجاورت محل سکونت بر انتخاب مکان جرم مطالعه موردی: جرم سرقت در شهر تهران، تهران، پژوهش‌های انتظام اجتماعی، سال ۴، شماره ۲.
- مرکز ملی رصد اجتماعی کشور، (۱۳۹۲)، گزارش وضعیت شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی استان سمنان در سال‌های ۹۱-۱۳۷۵.

نظریان، اصغر و زیاری، یوسفعلی و خزاعی، نساء، (۱۳۹۲)، بررسی نظریات جرم‌شناسی محیطی در ارتباط با پیشگیری از بزهکاری در محیط‌های شهری، اصفهان، پژوهش‌های علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال ۴، شماره ۲۱.

یزدانی، محمدحسن و ابراهیم فیروزی مجنده و جواد هاشمی، (۱۳۹۷)، بررسی الگوهای پراکنش فضایی جرائم سرقت در شهر اردبیل به منظور شناسایی کانون‌های جرم خیز سرقت، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، سال ۶، شماره ۲۲، صص ۱۳۷-۱۶۴.

- Cozens, P. (2008). Crime prevention through Environmental Design In western australia: Planning for sustainable urban futures, 3(3), 272-292. <https://doi.org/10.2495/SDP-V3-N3-272-292>
- Engel, C., Beckenkamp, M., Glöckner, A., Irlenbusch, B., Hennig-schmidt, H., Kube, S., ... Towfigh, E. (2014). International Review of Law and Economics First impressions are more important than early intervention: Qualifying broken windows theory in the lab. *International Review of Law & Economics*, 37, 126–136. <https://doi.org/10.1016/j.irle.2013.07.005>
- Gau, J. M., Corsaro, N., & Brunson, R. K. (2014). Journal of Criminal Justice Revisiting broken windows theory: A test of the mediation impact of social mechanisms on the disorder – fear relationship. *Journal of Criminal Justice*, 42(6), 579–588. <https://doi.org/10.1016/j.jcrimjus.2014.10.002>
- Ha, T., Oh, G., & Park, H. (2015). Comparative analysis of Defensible Space in CPTED housing and non-CPTED housing. *International Journal of Law, Crime and Justice*, 43(4), 496–511. <https://doi.org/10.1016/j.ijlcj.2014.11.005>
- Hedayati, M., Abdullah, A., & Ignatius, J. (2016). *International Journal of Law , Crime and Justice Examining the effects of crime prevention through environmental design (CPTED) on Residential Burglary*, 46, 86–102.
- Hinkle, J. C., & Yang, S. (2014). Journal of Criminal Justice A New Look into Broken Windows: What Shapes Individuals ' Perceptions of Social Disorder? ☆. *Journal of Criminal Justice*, 42(1), 26–35. <https://doi.org/10.1016/j.jcrimjus.2013.11.002>
- Lupton, D, (1999), Dangerous places and the unpredictable stranger: constructions offear of crime. *Australian and New Zealand Journal of Criminology* 32(1), 1–15.
- Ratcliffe, Jerry H, (march 2004), the hotspot matrix: a framework for the spatio-temporal targeting of crime reducation, police practice and research,.

Sampson, R. J., & Raudenbush, S. W. (2004). Seeing Disorder : Neighborhood Stigma and the Social Construction of “ Broken Windows ”, 67(4), 319–342.